

## درس دوّم: دلیل عقلی بر قاعده لا ضرر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### حکم مستقل عقل بر قاعده لا ضرر

عرض شد که قاعده لا ضرر بر طبق ارتکاز فطری و عقلی، مورد حکم مستقل عقل است و ملاک در این حکم عقل، همان قبح ظلم است و قبح ظلم یکی از مستقلات عقلیه است.

در باب مستقلات عقلیه، لولا وجود دلیل از طرف شارع، ما می توانیم بلکه باید ملتزم به مستقلات عقلیه شویم. من باب مثال در باب براءت عقلیه، ملاک در حکم به براءت، قبح عقاب بلا بیان است<sup>۱</sup> و قبح عقاب بلا بیان، مسبب از قبح ظلم است، بنابراین عقاب بلا بیان هم قبیح است و لذا براءت عقلیه در

---

<sup>۱</sup> رجوع شود به الفوائد الحائریّة، محمدباقر بهبهانی، ص ۵۳؛ فرائد الأصول، ج ۱، ص ۳۳۵؛ کفایة الأصول، ص ۳۴۳؛ عنایة الأصول، ج ۴، ص ۵۹ - ۶۵.

احکام غیر موصوله به ما جاری می‌شود؛ چه عدم وصول از باب اجمال دلیل باشد یا تعارض دو دلیل باشد یا فقدان دلیل باشد.

همین‌طور در قاعده لا ضرر، چون ضرر از نقطه نظر حمل مصداقی برابر با ظلم است، بنابراین به مفاد قبح ظلم، قبح ضرر هم در اینجا جاری می‌شود؛ پس جزء مستقلات عقلیه به حساب می‌آید. هم‌چنین نه تنها اصل ضرر قبیح است، بلکه عدم جبران و عدم ماینتفی الضرر بوقوعه و وجوده هم خودش ضرر آخر است، فلذا آن هم ظلم است و دفع ظلم واجب است و ایتیان ظلم حرام است. بنابراین غرامتی که [پرداخت آن] مترتب بر ضرر می‌شود هم جزء مستقلات عقلیه است.

فعلی‌هذا در این قاعده مهم ما نیازی به ادله شرعیّه نداریم، بلکه ثبوت این قاعده عندالعقل برای ترتب آثارش کفایت می‌کند. شاید این قاعده از نادرترین قواعدی باشد که ادله شرعی در بیان این قاعده، در مقام جعل نیستند بلکه در مقام حکایت‌اند. بسیاری از قواعدی که داریم، از نقطه نظر شارع

مجموع است، یعنی عرف عقلاء بیانی در اثبات این قواعد ندارد، مثلاً قاعدة «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»<sup>۱</sup> یا قاعدة لا حرج<sup>۲</sup> و امثال ذلك قواعد شرعیّه‌ای هستند که شارع آنها را جعل کرده است؛ ولی بعضی از قواعد هست که جهت عرفی [و عقلائی] دارند، مثلاً قاعدة إتلاف: «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»<sup>۳</sup> استفاد از حکم عرف عقلاء است.

تلمیذ: آیا عرف بیانی در قاعدة لا حرج ندارد؟

استاد: البتّه قاعدة لا حرج هم تا حدودی این گونه است، اما صحبت در موارد آن است که این موارد را شارع تعمیم داده یا تزییق کرده است؛ مثلاً قاعدة

---

<sup>۱</sup> رجوع شود به جامع المقاصد، ج ۵، ص ۱۳۲؛ ج ۶، ص ۳۲۴؛ مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ کتاب المكاسب، شیخ انصاری، ج ۳، ص ۱۸۲؛ العناوین الفقهیّة، مراغی، ج ۱، ص ۳۰۳، العنوان العاشر فی قاعدة نفی الضّرر و الضّرار؛ عوائد الأیام، ص ۴۳، عائدة ۴: فی نفی الضّرر و الضّرار.

<sup>۲</sup> رجوع شود به حاشیة الوافی، بهبهانی، ص ۱۸؛ القواعد السّتّة عشر، کاشف الغطاء، ص ۳۳؛ العناوین الفقهیّة، ص ۲۸۱، العنوان التّاسع فی قاعدة العسر و الحرج؛ عوائد الأیام، ص ۶۰ و ۱۷۳، عائدة ۱۹ فی بیان قاعدة نفی العسر و الحرج و المشقّة.

<sup>۳</sup> رجوع شود به العناوین الفقهیّة، ج ۲، ص ۴۳۳، العنوان الثّامن و العشرون؛ قاعدة الضّمان بالإتلاف؛ القواعد الفقهیّة، بجنوردی، ج ۲، ص ۲۳، قاعدة الإتلاف.

مَنْ أَتَلَفَ، به نحو کلی حکم عرف عقلاء است، اما قاعده «الطَّلَاقُ بِيَدِ مَنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ»<sup>۱</sup> یک قاعده شرعی است که عرف، یک چنین قاعده‌ای را بیان نمی‌کند؛ ولی بسیاری از قواعد شرعیّه، از بناء عقلائیّه ناشی می‌شود که ملاکات این قواعد در بناءهای عقلاء وجود دارد و بعد شارع این قاعده را تعمیم داده یا تضییق کرده است. شاید بتوان گفت که تنها قاعده یا از اندر قواعدی که قطعاً عقل مستقلاً حکم به ثبوت آن قاعده می‌کند همین قاعده لا ضرر است.

### حکایی بودن ادله شرعی قاعده لا ضرر

وقتی که ما این را به لحاظ قبح ظلم و اینکه در ضرر ظلم است، از مستقلات عقلیه گرفتیم، از این نقطه نظر می‌توانیم بگوییم که لسان شارع در قاعده لا ضرر حکایی است، نه لسان جعلی. البته اصل ضرر ظلم است و لسان آیات و روایات هم دال بر حرمت ظلم است<sup>۲</sup> و بحث ظلم و ضرر نوعی یا ضرر

<sup>۱</sup> عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ سنن الدار قطنی، ج ۴، ص ۲۴ و ۲۵، با قدری اختلاف؛ المعجم الكبير، طبرانی، ج ۱۱، ص ۲۳۹، با قدری اختلاف.

<sup>۲</sup> رجوع شود به الکافی، ج ۲، ص ۳۳۰ - ۳۳۵، باب الظلم.

شخصی بعداً می آید.

## ثمرات عقلائی دانستن قاعده لا ضرر

این مطلب بعداً در آنجایی که می خواهیم معیار برای توسعه و تضییق در مجاری این قاعده را بگوییم، بسیار به درد ما می خورد. آیا در توسعه و تضییق این قاعده می توانیم به اختبار عقلائیه تمسک کنیم یا باید دنبال ملاکات شرعیّه برویم؟ و در مواردی که ملاکات شرعیّه در تشخیص ضرر و مجرای این قاعده وجود ندارد باید به چه چیزی تمسک کنیم؟ این مطلب در آنجا به درد می خورد و به عبارت دیگر، از باب براءت استهلال باید عرض کنیم که وقتی این قاعده ثبوتاً جزء مستقلّات عقلیه بود، تحدید در توسعه و تضییق آن هم بر عهده عقل است.

در مواردی که عقلاء در آن موارد، ضرر را تشخیص می دهند باید این قاعده را اجرا کرد. هم چنین در مواردی که عقلاء تشخیص نمی دهند، بلکه شارع تشخیص می دهد، از باب نقصان حکم عقل در موارد جزئیّه که بیان شارع، این خلل را

کشف می‌کند، در آنجا هم باید براساس این قاعده حکم کرد. همچنین در مواردی هم که شارع به مقتضای بناء عقلائیّه ساکت است باید به این قاعده تمسک کرد. بنابراین ما در اثبات این قاعده هیچ‌گونه نیازی به ادله شرعیّه از نقطه نظر فهم عرفی از آیات و روایات نداریم، بلکه صرف دلیل ما برای اثبات این قاعده بناء عقلائیّه است و این مطلب را تمام می‌کند. تلمیذ: اگر عقلاء ساکت باشند آیا ما به این قاعده تمسک می‌کنیم؟

استاد: نه، اگر عقلاء در مجرای این قاعده ساکت باشند، یعنی در تشخیص ضرر ساکت هستند و ما دیگر نمی‌توانیم به این قاعده تمسک کنیم. فرض اجرای این قاعده در صورتی است که موضوع برای این قاعده مُحَرَز بشود و وقتی که ما در تحقق موضوع شک کنیم، اجرای این قاعده از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیّه می‌شود، که صحیح نیست. بنابراین آیاتی که علما در اینجا ذکر کرده‌اند، مثل آیه **(لَا تُضَارُّ وُلْدَهُ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدَةٍ)**<sup>۱</sup> و یا آیه

---

<sup>۱</sup> سوره بقره (۲) آیه ۲۳۳. امام شناسی، ج ۱۱، ص ۱۹۸:

«هیچ مادری نباید در مورد بچه‌ای که زاییده است مورد ضرر واقع شود و

﴿وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾<sup>۱</sup> و امثال ذلک، تمام

این آیات، دلالت تأییدی دارد.

ولی مهم‌تر از این آیات، آیاتی است که به مفاد

قاعده لا ضرر است، مثل آیه ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾<sup>۲</sup>؛

چون گفتیم که از نقطه نظر مصداقی تفاوتی بین ظلم

و ضرر نیست، کأنَّ آن شخصی که تعدی به حق غیر

می‌کند، دارد به او ضرری می‌زند. تعدی به حق غیر،

از این نظر ظلم است که حقوق او از لوازم وجودی

خود او است؛ لذا تعدی به حقوق زید، تعدی به خود

زید تلقی می‌شود و تعدی به خود زید ظلم است،

بنابراین تعدی به لوازم زید هم ظلم است.

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾ یعنی اگر بنده‌ای عبادت

را از باب عدم بیان حکم و از باب فقدان دلیل ایتیان

نکرد، شارع نمی‌تواند این بنده را به خاطر عدم این

ایتیان، أخذ بکند. معنای ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾ این

است که اگر شخصی در مقام ناتوانی نتوانست

---

هیچ پدری نیز نباید از ناحیه بچه‌اش مورد ضرر قرار گیرد.»

<sup>۱</sup> سوره طلاق (۶۵) آیه ۶. ترجمه:

«برای آنکه (زندگی را) بر ایشان تنگ گیرید به آنها زیان مرسانید.» (محقق)

<sup>۲</sup> سوره فصلت (۴۱) آیه ۴۶. امام شناسی، ج ۱۶ - ۱۷، ص ۵۷۲:

«و پروردگار تو آن‌چنان نیست که به بندگان خود ستم روا دارد.»

عبادت و تکلیفی را انجام بدهد و ایتیان آن تکلیف از آن بنده متعذر بود، عقاب او ظلم است. هم‌چنین اگر بنده‌ای عملی انجام داد و بر این عمل باید این مقدار ثواب مترتب شود ولی شارع این ثواب را مترتب نکند، این ظلم است و آیه **﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾** شامل آن می‌شود. در تمام این موارد اگر این حکمی که شارع بر این بنده مترتب کرده است، از نقطه نظر عقلی تعدی در شئون این عبد تلقی شود، این آیه **﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾** شامل آن می‌شود.

**﴿فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾**؛<sup>۱</sup> مگر حجّت بالغه غیر از حکومت عقل در مقام استدلال است؟! مگر غیر از این است؟! تمام آیاتی که ظلم و ضرر و تعدی به حقّ غیر را حرام می‌داند<sup>۲</sup> - که ما به خاطر عدم اطاله

<sup>۱</sup> سوره أنعام (۶) آیه ۱۴۹. معاد شناسی، ج ۳، ص ۵۶: «حجّت و برهان بالغه اختصاص به خدا دارد.»

<sup>۲</sup> سوره بقره (۲) آیه ۱۹۰: **﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾**؛

سوره بقره (۲) آیه ۱۹۳: **﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾**؛

سوره بقره (۲) آیه ۱۹۴: **﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾**؛

سوره بقره (۲) آیه ۲۳۱: **﴿وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ**

و بداهت موضوع، آنها را ذکر نکردیم - از یک حکم مستقل عقلی و از بناء عقلاء بر اینکه دفع ظلم واجب است و خود ظلم حرام است، حاکی هستند. لذا چون ضرر ظلم است، بنابراین حرام است و غرامت و تاوان آن ضرر، واجب است. این یک بناء عقلائی است و از مستقلات عقلیه است، و همه آیاتی که در این موضوع هستند حالت تأییدی دارند. لذا اصلاً اگر این آیات را هم نداشتیم باز فرقی نمی کرد.

بنابراین قاعده لا ضرر همچون قبح عقاب بلا بیان - که برائت عقلیه را در احکام اثبات می کند - جزء مستقلات عقلیه است و یک قاعده در قبال بقیه قاعده‌ها است. إن شاء الله از جلسه بعد بحث درباره ادله روایی قاعده لا ضرر خواهد بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

---

يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛

سوره مائده (۵) آیه ۳۲: ﴿أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛

سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا﴾.